

متن پرسش

به اسم الله الرحمن الرحيم اين كه اينجا نوشته مي شود سوال يا درد دل نيست. اما خواندنش توسط شما مرحمی است بر زخمی كه خدا نكند اگر بخواهيم درمانش كنيم. يك سال از زمانی كه مردم به آن مي گویند طوفان الاقصی مي گذرد. اكثر با دید ترحم به این قضیه نگاه می کنند. اینکه زن و بچه ها گناه دارند و اگر خیلی منطقی به خرج دهند می گویند حماس حق داشته از خودش دفاع کند و حالا اگر نهایتا دیگر خیلی وظیفه شناس باشند می گویند باید از آنها حمایت کنیم و بگوییم كه با آنهاييم. اما ماجرای من کمی متفاوت است. یعنی آنقدری از ماجرا پرت بودم كه اصلا نمی دانستم فلسطین اشغال شده و تا همین پارسال فكر می كردم دو كشورند كه با هم می جنگند. درست غروب چنین روزی بود كه يك شب كامل را نتوانستم بخوابم و نیز شب های دیگر و روز های دیگر را. كارم شده بود نشستن و زل زدن به پخش زنده ی غزه و حالا دیگر مقصد رویایی من نه پاریس بود نه سواحل آفریقایی. تنها غزه. به حكم شهید خبرنگار قصد كمك مالی یا هر كمك دیگری را نداشتم. قصد داشتم بلند شوم. دستم را به زانوی غزه ی عزیزم بگیرم و بلند شوم. خانه ی رویایی من يك وجب خرابه بود در غزه و سفر دریایی ام قایقی در خان یونس كه یکی از ماهیگیران فلسطینی روی آن به شهادت رسیده بود. نمی دانم به گمانم دنیا سالها بود كه خاک خورده بود. غبار سر و رویش را گرفته بود. نفسش بند آمده بود و هیچ چیز اعم از آخرین پیشرفت های هوش مصنوعی و اینکه اولین زن دارد به ماه سفر می کند نمی توانست تکانی به آن بدهد. ساعات کاری محصور در تیک تاک های تایم ها بودند و شب و روز ما كوك می شد. اما درست سال پیش در چنین روزی دنیا يك بار دیگر طلوع را به چشم خود دید. نه این يك استعاره نیست. صبح های ما برای ما چه معنایی دارند؟ نهایتا يك گردش دیگر يك سیاره خاکی دور يك غول هلیومی. در دنیای ما نه شب تاریك بود نه روز روشن. نه غروب غربت داشت و نه طلوع طوفان. در این میان بود كه به قول عزالدین قسام تنها خورشید قدس می توانست طلوعی را در عالم رقم بزند و این طلوع کاری كرد كه مزه ی طوفان در دهانمان بماند. شور صبح های طوفانی و شب های غریب. شور تونل های استعاری زیر هزاران تن بمب زندگی تکنولوژیک و بالاخره طوفان الاقصی همه مان را خطاب قرار داد: «اقرا. اقرا به اسم ربك الذی.» من شنیدم كه او می گفت از راه مدرسه و خانه و دفتر كار بیا بیرون. در جاده ی خاکی قدم بگذار و بخوان. بخوان به نام خدای فلسطین به نام پروردگار غزه به نام رحمن طوفان طلوع ها و رحیم غروب ها

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: آری! همان طور که می فرمایید تنها باید « به نام خدای فلسطین، به نام پروردگار غزه، به نام رحمن طوفان طلوع ها، و رحیم غروب ها». همراه سال هایی که امام موسی صدر و شهید چمران و در این اواخر سید حسن نصر الله، خواند. خواندنی که در دل این همه خرابی و شهادت، مانند آن شهیدان تازه متولد می شویم و چون جنین از ظلمات رحم بیرون می آییم و می فهمیم زندگی یعنی اگر ظلم تا آن اندازه اوج می گیرد که در غزه و لبنان اوج گرفته؛ مردمی در صحنه می آیند که تصور عظمت شخصیت آن ها ممکن نیست و می توان از زبان حضرت نایب الامام گفت: «مقاومت در غزه چشم دنیا را خیره کرد و به اسلام عزت بخشید، ... در غزه اسلام در برابر همه شرارت و پلییدی سینه سپر کرده است» و همچنان که در دیدار با شهید اسماعیل هنیه فرمودند: «امروز بلندترین پرچم اسلام در دستان مردم غزه است». و این یعنی حضور در تاریخی که به ما معنا می بخشد آن هم در روزگار بی معنایی ها. مهم آن است که امروز نسبت خود را تنها با مردم غزه و لبنان معنا کنیم تا در هویت عین الربط بودن خود معلوم شود از کدام آینه باید در محضر خداوند حاضر شد.

موفق باشید